



فصل نامهٔ تحلیلی-انتقادی حوزه • شماره بیستم • بهار ۱۴۰۲

عناصر گفتمان ساز در اندیشهٔ سیاسی و اجتماعی

آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی قدس سره



علی اکبر نوایی
(مدرس سطوح عالی حوزه علمیه خراسان)

گفتمان سازی، روندی است که مصلحان و نقش آفرینان تاریخی آن را می آفرینند و جامعه را به پویایی نوین در آن مسیر نورانی وامی دارند. در رویکرد گفتمان سازی، یکی از نمونه های تاریخی، آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی است که در عصر انجماد تاریخی و در دورهٔ توقف حرکت های تکاملی و دورهٔ وانهادگی و تسلیم در برابر حکومت های استعماری، در تقابل با این حرکت های واپس گرایانه، منشأ پویایی مقدس و حرکتی الهام بخش گردید. زیربنای این روند نوین، والایی اندیشه ای هم سو با اندیشه های حضرت امام خمینی قدس سره و والایی شخصیت علمی، فقهی، سیاسی، اجتماعی و بین المللی آیت الله میلانی است که زندگی و نقش آفرینی های ایشان، واقعاً حیرت گونه و در عین حال، الهام بخش است. ایشان در منش علمی و رفتار سیاسی و اجتماعی خویش، گفتمان هایی متعالی را در چند عنصر گفتمان ساز به نمایش گذاشتند که در این نوشتار به آن می پردازیم.

درآمد

گفتمان‌سازی به مفهوم ایجاد یک اندیشه و باور در ذهنیت اجتماعی است که از رهگذر آن، تحوّل تاریخی در رویکردهای اجتماعی حاصل گردد و همچون یک الگوی نمادین در کل تاریخ اجتماعی، جاری گردد و جامعه را تا مرحله تحقق عینی آن ذهنیت و اندیشه، به تکاپو و تلاش دغدغه‌مندانه عملی وادارد.

در روند حرکت‌های عمده تاریخی و تحول‌آفرینی در یک جامعه، این گفتمان‌ها توانسته‌اند واقعیت‌های نوین و تکاملی را بر بستر واقعیت‌های ارتجاعی و کهنه ایجاد نمایند و حرکت تاریخ را در همه حوزه‌های نظری و عملی، عمق و جهت و کمال ببخشند. این گفتمان‌سازی‌ها، عمل فکری، علمی و عملی و ارزشمند مردان بزرگی است که به عنوان شخصیت‌های دینی، علمی، فقهی و سیاسی و غیره در تاریخ، بروز و ظهور و تجلی کرده‌اند و دغدغه‌مندان و هوشمندان به قصد ایجاد تحول و به‌سازی امور اجتماعی و سیاسی و دینی با رهتوشه انقلابی، این گفتمان‌ها را پدیدار ساخته‌اند.

در این رویکرد پژوهشی، محور بحث حضرت آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی رحمته‌الله علیه است که در عصر انجماد تاریخی و در دوره توقف حرکت تکاملی و نوعی وانهادگی و تسلیم و نمود حرکت‌های واپسگرایانه و ارتجاعی دوران پهلوی، منشأ تحولات دوران‌ساز شدند. ایشان با قرابت و هم‌سوئی نظری و

عملی با حرکت انقلابی و نهضت کبیر امام خمینی رحمته‌الله علیه و انقلاب اسلامی معاصر، منشأ تحول همه‌جانبه و بزرگ در حرکت تاریخی و اجتماعی ایران معاصر شدند و بواسطه میراث فکری و علمی و فقهی و کلامی خود نه‌تنها این مقوله گفتمان‌ساز را تبیین کردند؛ بلکه فراتر از آن در مسیر تحققش، اقدامات عملی و راهبردی مهمی را به انجام رساندند. این رویکرد عظیم به عناصری وابسته است که تنها در اندیشه‌هایی انتزاعی و بریده از عمل در فرایند اجتماعی، تعریف نمی‌گردد، راه توجیه‌گری را بر خود بسته و برای خارج‌نمودن رقیب وابسته به بلوک فکری بیگانه و نظام سلطه غربی به میدان آمده است. آیت‌الله میلانی جدا از این مسایل، یک الگو و نماد برجسته یعنی هم‌سوئی با اندیشه امام خمینی در عرصه فقاقت و سیاست را پیشاهنگ کار خود ساخته است. آیت‌الله میلانی با همین صبغه، به تبیین نظری و اجرای عملی اندیشه‌های خود پرداخته و در مسیر گفتمان‌سازی، به پویایی عملی، فقهی و نظری نظر کرده و دغدغه‌مندان آن را در حوزه عمل، با رفتار خویش، تثبیت و اجرا نموده است. ما در این نوشتار، این واقعیت متعالی و ارزنده را بازشناسی می‌کنیم.

۱. جامعیت و والایی شخصیت آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی

آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی در سال

معرفتی، عرفانی و سیاسی، تحول بیافرینند و گفتمان‌هایی برانگیزاننده ایجاد کنند. آیت‌الله میلانی با بهره از عناصری راهبردافرین در گفتمان‌سازی، به پشتیبانی نهضت و انقلاب دوران‌ساز امام خمینی پرداختند و توانستند در نهضت الهام‌بخش اسلامی، قافله‌بانی حرکت بزرگ علمی و سیاسی و اجتماعی را برعهده گیرند و بر آن تأکید ورزند و موفقیت‌های بزرگی را به دست آورند.

گام بلند آیت‌الله میلانی در حرکت‌های علمی و اجتماعی و سیاسی موردانتظار از شخصیتی جامع همچون ایشان در نوشتارها، مقالات، خطابه‌ها و بیانیه‌ها و اعلام مواضع در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و خدماتی و نیز در مصاحبه‌های ایشان و درباره ایشان، مشهود است که با بررسی آنها به توضیح و تبیین جامعیت و والایی شخصیت ایشان می‌پردازیم.

۲. گفتمان‌سازی در منش علمی و رفتار سیاسی آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی

گفتمان‌سازی، فرایند فراگیرسازی مسئله‌ای خاص میان توده‌های انسانی، گروه‌ها و احاد اجتماعی است، به این مفهوم که افکار اجتماعی به سوی مفهومی خاص از مفاهیم جهت داده شود و سپس همان مفهوم که در ذهنیت اجتماعی ایجاد گردیده در عرصه عمل به سوی اجرایی‌شدن سوق داده شود. بنابراین، گفتمان‌سازی به معنای ذهنیت‌سازی اجتماعی، فراگیرسازی یک مفهوم و باور در نظام اجتماعی و ایجاد یک فکر و ایده است

۱۳۱۳ق در شهر نجف، در جوار مضجع ملکوتی و نورانی علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه السلام) در خاندانی علمی و معنوی متولد شد.

نسب خاندان ایشان به امام علی‌بن‌الحسین، امام سجاد (علیه السلام) می‌رسد. «اجداد وی در پاسخ به دعوت شیعیان، در قرن یازدهم قمری از مدینه به آذربایجان مهاجرت کردند و در محله میلان از دهستان اسکوچای در نزدیکی تبریز ساکن شدند.»^۱

ولادت ایشان، در کوران مبارزات تاریخی و سیاسی رخ داد و با توجه به استعداد سرشار و علاقه و اشتیاق زیادی که به فراگیری علوم داشتند، مراتب تحصیلی را با سرعت پیمودند و در علوم و دانش‌های اسلامی نظیر ادبیات و فقه و اصول، کلام و فلسفه و تفسیر، تبحر بالایی یافتند که در کلام بزرگان، فقها، فیلسوفان و اندیشمندان داخل و خارج ایران، زبان‌زد بود.

جهت تبیین موضوع اصلی نوشتار، بیان این نکته راهگشا، ضروری است که معظم‌له از شخصیتی والا و جامع و اعتبار علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در داخل ایران و در کشور عراق و حوزه‌های علمیه نجف و کربلا برخوردار بودند. ایشان شخصیتی راهنما و والا داشتند که توانستند در عصر غلبه اختناق که دست‌تپاول استبداد و استعمار، کیان جامعه و حوزه‌های علمیه را در معرض فروپاشی و انهدام قرار داده بود، منشأ حرکت‌های علمی، اجتماعی و سیاسی مهمی شوند و در عرصه‌های علمی،

که به شکل مطالبه عمومی درآمده باشد و با ایجاد حساسیت در توده‌های انسانی و اجتماعی برای ایجاد آن فکر در صحنه عمل، به موضوعی متفاهم و عرفی عمومی تبدیل شده باشد.

در واقع گفتمان‌سازی، خلق حرکت‌های اجتماعی در راستای اصلاح امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیر آن است که از مسیر شناخت واقعیات اجتماعی عبور کرده و به نقد وضعیت و در نهایت، اصلاح وضعیت منجر می‌گردد. یکی از محققان در توصیف گفتمان می‌نگارد: «گفتمان، خلق معنا به‌مثابه یک فرایند اجتماعی شامل عمل تثبیت معنا است.»^۲

وی در ادامه توضیح می‌دهد: «ما هر عملی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود به نحوی که هویت این عناصر در نتیجه عمل مفصل‌بندی تعدیل و تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم. کلیت ساخت‌مند حاصل از عمل مفصل‌بندی را گفتمان می‌نامیم.»^۳

با این وصف، در نتیجه تعاریف فراوانی که هم‌سو با این برداشت هستند، گفتمان، ایجاد یک باور، تثبیت یک معنا و یک نشانه از طریق نفی وضعیت نابهنجار برای ایجاد وضعیت بهنجار می‌باشد.

نقد وضعیت، تولید معنا، ایجاد حرکت برای برنشانیدن معنایی خاص و برانگیزاننده و شوق‌انگیز در اجتماع انسانی است. این معنا هم‌اکنون ایجاد شده است و نمود عینی و همچنین هویتی جمعی یافته است و به سوی ایجاد یک جهان‌بینی تحول‌ساز اجتماعی حرکت می‌کند. آیت‌الله میلانی، حرکت و تکاپوی علمی و خردی بر مبنای این کلیت داشتند که هم در حوزه نظر و هم با رفتار و عمل خویش درون حوزه علمیه و جامعه ایران و خارج از آن، در طریق اسلامی‌سازی اجتماع داشتند و این مفهوم را در زمان خویش به باور و رفتاری عمومی تبدیل کردند.

ایشان با هم‌سویی با حضرت امام خمینی رهبر، در قالب ایجاد امتی پیشران و اسلامی در تکاپو بودند. آیت‌الله میلانی در زمانه‌ای می‌زیستند که باید آن را عصر غلبه نظام‌های شیطانی و حاکمیت آنها بر مجموعه ممالک اسلامی و از جمله ایران به‌شمار آورد. ایشان با تکیه بر مجموعه معارف اسلامی و فقه پرفریت شیعه و با نوعی قرابت خاص و همدلی با نهضت امام خمینی، نه‌تنها حوزه علمیه شیعه را احیا کردند، بلکه در راستای اصلاح کلان اجتماعی، به نقش‌آفرینی و احیای نقش پرداختند. در همین راستا، از محراب و کرسی تدریس در حوزه پا فراتر نهادند و در میدان مبارزه و هدایت اجتماعی و سیاسی جامعه به‌طور جدی به امر گفتمان‌سازی مشغول شدند و اصلاح جامعه، نظام سیاسی و نظام اقتصادی را از راه قلمرو حداکثری دین، روش اندیشه و عمل خویش قرار دادند و آنها را به گفتمان اصلی در جامعه تبدیل نمودند.

ایشان با تکیه بر مجموعه معارف اسلامی و فقه پرفریت شیعه و با نوعی قرابت خاص و همدلی با نهضت امام خمینی، نه‌تنها حوزه علمیه شیعه را احیا کردند، بلکه در راستای اصلاح کلان اجتماعی، به نقش‌آفرینی و احیای نقش پرداختند. در همین راستا، از محراب و کرسی تدریس در حوزه پا فراتر نهادند و در میدان مبارزه و هدایت اجتماعی و سیاسی جامعه به‌طور جدی به امر گفتمان‌سازی مشغول شدند و اصلاح جامعه، نظام سیاسی و نظام اقتصادی را از راه قلمرو حداکثری دین، روش اندیشه و عمل خویش قرار دادند و آنها را به گفتمان اصلی در جامعه تبدیل نمودند.

می‌کنیم و به بازنمایی آنها را در عرصه فکر و اندیشه و عمل و تبلور عینی اجتماعی می‌پردازیم. البته در این راستا باید چند محور را مورد بحث قرار دهیم:

● عناصر حضور در عرصه سیاست

● عنصر ارتباطات و تعاملات

● عنصر اقدام‌های تربیتی و بازپروری

شخصیت

● عنصر اجتهاد، فقاقت و فتوا

۱-۳. عناصر حضور در عرصه سیاست

در آغاز این محور باید اشاره کنیم که ایشان اندیشه سیاسی روشنی دارند. اندیشه سیاسی، باورهای نظام‌مند و دارای ماهیت فلسفی هستند که به مقوله اداره جامعه، قدرت، حکومت و حاکمیت، نقد آنها و بهره‌وری از قدرت مربوط می‌شوند. قطعاً هر کس در این محورها، خرد و اندیشه داشته باشد، آنها را نقد کند، روش بهبود وضعیت و نوع حکومت و حاکمیت مطلوب و نوع بهره‌وری مطلوب از قدرت را بیان کند، دارای اندیشه سیاسی خواهد بود.

«اندیشه سیاسی، مجموعه‌ای از آرا و عقایدی است که به شیوه‌ای عقلانی و منطقی و مستدل (و فراتر از آرا و ترجیحات شخصی)، درباره چگونگی سازمان‌دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد.»^۴

درواقع می‌توان چنین تعبیر کرد که اندیشه سیاسی، مجموعه عبارات فلسفی است که به‌طور مستقیم به نحوه

به نقش‌آفرینی و احیای نقش پرداختند. در همین راستا، از محراب و کرسی تدریس در حوزه پا فراتر نهند و در میدان مبارزه و هدایت اجتماعی و سیاسی جامعه به‌طور جدی به امر گفتمان‌سازی مشغول شدند و اصلاح جامعه، نظام سیاسی و نظام اقتصادی را از راه قلمرو حداکثری دین، روش اندیشه و عمل خویش قرار دادند و آنها را به گفتمان اصلی در جامعه تبدیل نمودند.

سیره آیت‌الله میلانی که در موضع‌گیری‌های معرفتی و سیاسی و اجتماعی، با رویکرد به خدمات اجتماعی و تقابلات و تعارضات سیاسی و نیز تعاملات بین‌المللی نمایان گردید، نشانه‌ای قوی بر نقد حاکمیت وابسته، فقدان عدالت و ظلم و زمینه‌سازی برای ایجاد عدالت و احیای هویت اسلامی جامعه و باور عمیق به جامعیت دین در کلیت شئون انسانی است. این میراث فاخر و عظیم باید پاس داشته شود و به الگوی حرکتی تبدیل جامعه گردد. اینها عصاره‌ای از حرکت گفتمان‌ساز و در نتیجه، دوران‌ساز آیت‌الله میلانی است که به تفصیل و تشریح مصداقی آنها می‌پردازیم.

۳. عناصر گفتمان‌ساز در سیره عملی آیت‌الله میلانی

عناصر گفتمان‌ساز حضرت آیت‌الله میلانی در تقابل با سیطره گفتمان غربی‌سازی در ایران و منطقه اسلامی، حول محور اندیشه سیاسی اسلام، صورت‌بندی می‌شود. در ادامه این عناصر را تبیین

حکومت‌داری، حاکمیت و اداره جامعه مربوط می‌شود، ماهیت انتزاعی از مفاهیم عالیۀ فلسفی (دینی، فقهی، کلامی) دارد و از آنها گرفته می‌شود.

یکی از ابعاد وجودی ممتاز شخصیت علمی و انقلابی آیت‌الله میلانی، بُعد سیاسی وجود ایشان یعنی افکار و اندیشه‌ها و رفتار سیاسی‌شان است. بررسی این مقولۀ مهم و راهبردآفرین و گفتمان‌ساز،

نیازمند روشی نظام‌مند است که ابعاد مختلف زندگی، اندیشه و تأثیرات آنها را در بستری سیاسی، اجتماعی، تاریخی، معنوی و ایدئولوژیک بررسی کند. این چارچوب نظری سطوح و لایه‌های فراوانی را دربرمی‌گیرد که ما مجال و گسترۀ پرداختن به آن سطح کلان را نداریم. به‌نحو کلی می‌توانیم این چارچوب نظری گفتمان‌ساز را در مواردی همچون رویکرد نظری و عملی آن شخصیت بزرگ در عرصۀ سیاسی، رویکرد گفتمان‌سازانه و همچنین رویکرد تاریخی و تحولات دوران زندگی

ایشان و آفرینش‌های فکری گفتمان‌آفرین ایشان از منظر حرکات تحولی و رویکردهای سیاسی تحول‌خواهانه بررسی کنیم. همچنین می‌توانیم با رویکرد مقایسه‌ای دیدگاه‌های ایشان را با دیگر اندیشمندان تحول‌آفرین و یا فقیهان صامت مقایسه کنیم و نیز رویکرد ایشان را در مقایسه با اندیشه‌های تابناک امام خمینی - که کاملاً

با یکدیگر هم‌سویی دارند- براساس مکتوبات، بیانیه‌ها و موضع‌گیری‌ها و اعلامیه‌ها و سخنان و حرکات شورآفرین ایشان بررسی کنیم. درواقع با اینکه اشاره به همه این کارها در نوشتاری محدود ناممکن است، با این حال، می‌کوشیم برخی از این موارد را که مهم‌تر هستند، بررسی و کاوش نماییم.

۱-۱-۳. عناصر و رویکردهای نظری و عملی آیت‌الله میلانی در عرصۀ سیاست

در رویکردهای نظری و عملی آیت‌الله میلانی در عرصۀ

سیاست، موارد برجسته و مهمی را در مکتوبات و مواضع سیاسی ایشان مشاهده می‌کنیم که می‌توانیم موارد ذیل را برشماریم. ۱-۱-۳-۳. خلع ید از نظام

وابسته و طاغوتی شاهنشاهی آیت‌الله میلانی از پیشگامان نهضت و انقلاب سیاسی، علیه نظام طاغوتی شاهنشاهی و خلع ید حاکمیتی از نظام پهلوی بود و به مبارزۀ شدید انقلابی در راستای نهضت امام خمینی قدس سره با نظام طاغوتی

شاهنشاهی پرداخت. موارد فراوانی را در این مقوله می‌توان نام برد.

۱. تحریک انتخابات مجلس شورای ملی

در سال ۱۳۴۲

آیت‌الله میلانی در این مورد آشکار می‌نگارند: «شرکت ملت مسلمان در چنین انتخاباتی شرعاً و عقلاً مجاز نبوده، بلکه

یکی از ابعاد وجودی ممتاز شخصیت علمی و انقلابی آیت‌الله میلانی، بُعد سیاسی وجود ایشان یعنی افکار و اندیشه‌ها و رفتار سیاسی‌شان است. بررسی این مقولۀ مهم و راهبردآفرین و گفتمان‌ساز، نیازمند روشی نظام‌مند است که ابعاد مختلف زندگی، اندیشه و تأثیرات آنها را در بستری سیاسی، اجتماعی، تاریخی، معنوی و ایدئولوژیک بررسی کند

چشمان اهل بیتش منزل‌ها بالای نی حرکت می‌دهند. فرزندان عزیز، مشکل اساسی در مبارزات ملل تنها دو چیز است: ایمان به مبارزه و تشخیص هدف، خوشبختانه ملت ایران هدف خود را تشخیص داده و می‌داند تا حکومت‌ها منبعث از مردم نباشند، هر نوع اصلاح اساسی ناممکن می‌باشد و تنها در سایه یک حکومت قانونی و اسلامی است که اصلاحات اساسی صورت خواهد پذیرفت و بحمدلله ملت اسلامی مبارزه در این راه را وظیفه دینی دانسته و به مقدس بودن نهضت خود ایمان دارد و ترس از این ایمان است که حکومت را وادار به نشر اطلاعاتیه مجعول نموده و هر روز مطالبی را به‌عنوان جدایی دین از سیاست به‌وسیله ایادی خود منتشر می‌سازد؛ زیرا آنها دینی را قبول دارند که نسبت به مظلوم آنان سکوت کند و مؤید باشد.»^۲

۲. موضع‌گیری در جریان مسجد فیل مشهد و دستگیری شهید هاشمی‌نژاد
در تاریخ ۱۳۴۲/۸/۲۳، ساواک در رابطه با حادثه مسجد فیل، طوری صحنه‌سازی کرده بود تا شهید سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد را دستگیر کند. عده‌ای برای خنثی‌سازی توطئه نامه‌ای به معظم‌له می‌نویسند و استفتا می‌کنند که جهت رهایی شهید هاشمی‌نژاد اقدام کنند و کتمان شهادت کنند یا خیر. بدین معنا که شهادت بدهند صحنه‌سازی شده یا خیر؟ حضرت آیت‌الله میلانی پاسخ می‌دهند:

وظیفه دارند در رفع این اختناق و مطالبه یک حرکت مشروع و قانونی کوشیده و اجازه ندهند بیش از این به حریم اسلام و حقوق ملت مسلمان تجاوز شود.»^۳

ایشان در راستای این کلیت، بیانیه‌ای طولانی در خطاب به ملت مسلمان ایران در ۲۵ شهریور ۴۲ می‌نگارند که در بخشی از آن آمده است:

«ملت مسلمان ایران، امید است صاحب شریعت از مقاومت‌های شما مردم ستم‌دیده، تقدیر فرماید و عنایات احدی، نتایج انسانی و مفیدی را به بار آورد، روشی که شما مردم مسلمان با همکاری مراجع دینی در مبارزه با ظلم و فساد در پیش گرفته‌اید، راهی است که انبیای الهی و اولیای کرام، پیشروی آن هستند، راه «امر به معروف و نهی از منکر» است. راه دعوت به مدل و مبارزه علیه ظلم و تجاوز و ظلم است. راه خداست: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَاتِّعَازِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾ (نحل/۹۰) در این راه باید به خدای بزرگ توکل کنیم و ثابت‌قدم و امیدوار باشیم: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَسْتَخْلِفُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا.» (نور/۵۵) در این راه است که پیغمبری بزرگ چون حضرت ابراهیم را به آتش می‌افکنند و حضرت یحیی را سر می‌برند و فرق امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌شکافند و سر فرزندش را در مقابل

«بسم الله الرحمن الرحيم، به مفاد آیه کریمه ﴿وَلَاتَتَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَآثَمُ قَلْبِهِ﴾ نتوان از ادای شهادت خودداری نمود و به علاوه اولیای مقتولین حق دارند مطالبه حق شرعی خود کنند. حادثه مسجد فیل، تولید بسی ناراحتی نمود و معلوم نیست به چه منظور مأمورین این صحنه را به وجود آوردند. جناب معظم‌الیه آقای هاشمی‌نژاد در سخنرانی به شهادت همگانی از حدود قانون تجاوز نمی‌کرده تا مورد تعقیب واقع شود. علیه ایشان پرونده جائزانه ساختند. محمدهادی الحسینی المیلانی»^۷

۳. مخالفت قاطع با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

در پانزدهم مهرماه سال ۱۳۴۱ هجری شمسی برابر با هفتم اکتبر ۱۹۶۲ میلادی، به فرمان محمدرضا پهلوی، لایحه‌ای با عنوان انجمن‌های ایالتی و ولایتی، توسط اسدالله علم، به تصویب رسید و در غیاب مجلس شورای ملی ابلاغ گردید، این لایحه شامل ۹۲ ماده و ۱۷ تبصره بود که به ظاهر، اقدامی در جهت نوسازی ساختار اجتماعی و بالابردن سطح مشارکت عمومی انجام گرفت؛ اما روح و بنیاد این لایحه فرمایشی و استعماری که دقیقاً دیکته‌ای از جانب دولت استعماری انگلیس و آمریکا بود، با هدف ایجاد تغییراتی استعماری علیه مبانی دینی و اقدامی علیه آرمان‌های اسلامی بود و فرجام آن، محدودسازی نفوذ احکام اسلامی در عرصه سیاست اسلامی و حاکمیت مبانی آن

به شمار می‌رفت. در این لایحه، چند نکته از همه مهم‌تر بود که مستقیماً به جنگ با تعالیم و بنیادهای اسلامی می‌رفت که عبارت بودند از: ۱. حذف شرط اسلام از شرایط انتخاب‌شوندگان و رأی‌دهندگان؛ ۲. سوگند به کتب آسمانی دیگر، نظیر تورات، انجیل و غیره به جای قرآن مجید؛ ۳. استفاده از واژه «افراد» به جای «مردان» به منظور گنجاندن زنان و مشارکت آنان در فرایند کاندیداتوری و رأی‌گیری و انتخاب‌شوندگی.

موارد بالا نشان می‌داد که دولت غلم درصدد است دیکته غربی‌ها و صهیونیست‌ها را به اجرا درآورد و بنیادهای دینی، فقهی و اسلامی را تضعیف کند و به تدریج کتب انحرافی دیگر ادیان تحریف‌شده را به جای قرآن قرار دهد. حتی یکی از مفاد این مصوبه فراهم آوردن زمینه‌ای برای ورود بهاییان به سیستم و فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در کشور باشد و مهجوریت قرآن را در دستور کار خود قرار دهند.

مراجع بزرگ تقلید، در رأس همه آنان حضرت امام خمینی قدس سره در برابر این لایحه، موضع انقلابی و قاطعی اتخاذ کردند. در این راستا، آیت‌الله میلانی قدس سره موضعی انقلابی، مشابه موضع امام خمینی قدس سره اتخاذ کردند: «وظیفه خود می‌دانم با استمداد حضرت بقیةالله ارواحنا فداه برای سومین بار صریحاً اعلام بدارم، تصویب‌نامه دولت در مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی، با عدم رعایت شرط اسلام در انتخاب‌شوندگان و تبدیل قسم

به شهادت رساندند. واقعه مدرسه فیضیه، سرآغاز نهضت و انقلاب اسلامی شد که امام خمینی، آن را با حمله مغول مقایسه کردند. آیت الله میلانی در این واقعه، به عنوان تماشاچی ماجرا بسنده نمی کنند و موضع تند و انقلابی خود را اعلام می نمایند. نامه ای را به حضرت امام خمینی می نگارند و همراهی و همگامی خود را با نهضت اسلامی و حرکت امام خمینی اعلام می دارند و چنین می نگارند:

«...ما از حمله و یورش چنگیزانه به ساحت حوزه علمیه قم گذشتیم، از حبس و هجر رجال دینی و ملی گذشتیم، از حمله به دانشگاه و مراکز علمی ملت و سلب هر نوع آزادی فردی و اجتماعی چشم پوشیدیم. از دزدی و فساد و تباهی و تجاوز به مردمان صالح و تقویت دزدان و خیانتکاران گذشتیم، از برادرکشی هایی که در نقاط مختلف مملکت ترتیب داده اند صرف نظر کردیم. این ننگ را به کجا ببریم که مملکت اسلامی ما را دارند پایگاه اسرائیل و صهیونیست می کنند و نیز افرادی را که با آنها همدست هستند در رأی کارها قرار می دهند! همانطور که بر خاطر مبارکتان پوشیده نیست وقتی فساد هیئت حاکمه موجب شد که از حمایت افراد ملت محروم بماند. برای حفظ و نگهداری خود به هر جنایتی دست می زند و از هیچ خیانتی به مملکت در راه حفظ خود چشم نخواهد پوشید... چنانچه گفته می شود دولت به دستوری که دارد مشغول است خود

قرآن مجید به کتب آسمانی، ملت مسلمان ایران و خاصه علمای اعلام را بی نهایت خشمگین ساخته است. تذکر می دهیم به حکم موازین شرعی و احترام به افکار و معتقدات ملت مسلمان ایران، لازم است هر چه زودتر تصویب نامه مزبور را لغو کنند و به اطلاع عموم برسانند.^۴

میلانی، در این حادثه، به عنوان چهره ای انقلابی و فقیهی سیاسی و با هوشی سرشار، رسالت دینی و انقلابی خود را به خوبی ایفا نمود.

۴. موضع گیری تند و انقلابی در جریان کشتار در مدرسه فیضیه قم

حرکت روحانیت در برابر جنایات رژیم پهلوی به رهبری حضرت امام خمینی ره ایشان را بر آن داشت که نوروز سال ۱۳۴۲ را در پی جنایات بی شمار رژیم، عزای عمومی اعلام کنند. در جمعه دوم فروردین ۱۳۴۲، مصادف با سالروز شهادت امام صادق علیه السلام مردم دست به اعتراض زدند و مراسم عید نوروز را تحریم کردند. در پی این فراخوان امام خمینی، علما بسیج شدند و ده ها هزار نفر از مردم سراسر کشور به قم رفتند تا در مراسم سوگواری شهادت امام صادق علیه السلام شرکت کنند. ازدحام عجیبی صورت گرفت. صدها کماندوی رژیم با لباس مبدل کشاورزان و مسلح به چاقو و چوب، به همراه تعدادی زیاد از سربازان و نیروهای ویژه شهرداری، به مدرسه حمله کردند. طلاب را از پشت بام ها به زمین پرتاب کردند و تعداد فراوانی را

را با سیاست حکومت پوشالی اسرائیل منطبق سازد... این خطر، خطری نیست که احدی در مقابل آن سکونت کند و یا از انجام وظیفه تقاعد نماید... السلام علیکم و رحمة الله و برکاته، محمدهادی الحسینی الميلانی.^۹

۵. اعلام موضع سیاسی روشن

در جریان نهضت ۱۵ خرداد

مواضع سیاسی معظم‌له که درواقع ایجادگر گفتمان انقلاب اسلامی در ایران است، در اسناد تاریخی مضبوط و محفوظ هستند. ازجمله اقدام و موضعگیری ایشان در جریان نهضت ۱۵ خرداد است که در واقع مطلعی بر انقلاب شکوهمند اسلامی است.

آیت‌الله میلانی در واقعه ۱۵ خرداد، به ایفاد بیانیه و اطلاعیه بسنده نمی‌کنند، بلکه در این غم بزرگ تاریخی ملت مسلمان ایران، به تهران مهاجرت می‌کنند و به مدت صد روز در این شهر اقامت می‌گزینند و به پشتیبانی قاطع خود از نهضت ۱۵ خرداد ادامه می‌دهند. رژیم

وابسته و خائن شاهنشاهی توقف ایشان را در تهران تحمل نمی‌کند و پس از محاصره بیت مسکونی و محل اقامت ایشان، در روز ۱۳۴۲/۷/۱۵ معظم‌له را با هواپیما به مشهد بازمی‌گرداند.

صراحت وی در برخورد با مسایل، تعبیر کوپنده و رسای انقلابی و حساسیت فراوان در مسایل مختلف سیاسی کاملاً نمایان است. ایشان درباره این مهاجرت، هدف راقی و عالی خود را در قالب بیانیه‌ای که

پس از بازداشت حضرت امام

خمینی قدس سره در محرم سال ۱۳۴۲

و در پی ایجاد نهضت ۱۵ خرداد،

نگاشته شده است، چنین بیان

می‌کند:

«بسم الله الرحمن الرحيم.

ملت مسلمان ایران، پس از

آنکه از حوادث خونین تهران و

شیراز و قم و دیگر شهرستان‌ها

و تجاوز و کشتار سوم عاشورای

حسینی و توقیف حضرت

حجت‌الاسلام والمسلمین

حضرت آیت‌الله خمینی دامت

برکاته و آیت‌الله قمی و آیت‌الله

محلاتی و دیگر حجج اسلام و

وعاظ و مبلغین دینی مطلع

شدم، فوراً برای پشتیبانی و

اعلام هم‌قدمی با شما مردم

مسلمان ایران به سمت تهران

حرکت کردم. مسلماً مطلع

شده‌اید که هواپیما را از وسط راه برگرداندند.

دوباره روز یکشنبه هشتم صفر به تهران

آمدم، آنچه مرا به این حرکت وادار می‌کند،

این است که می‌بینم در این مملکت

اسلامی که بیست میلیون جمعیت دارد،

آیت‌الله میلانی در این واقعه (فاجعه مدرسه فیضیه)، به‌عنوان تماشاچی ماجرا بسنده نمی‌کنند و موضع تند و انقلابی خود را اعلام می‌نمایند: «...ما از حمله و یورش چنگیزانه به ساحت حوزه علمیه قم گذشتیم، از حبس و هجر رجال دینی و ملی گذشتیم، از حمله به دانشگاه و مراکز علمی ملت و سلب هر نوع آزادی فردی و اجتماعی چشم پوشیدیم. از دزدی و فساد و تباهی و تجاوز به مردمان صالح و تقویت دزدان و خیانتکاران گذشتیم، از برادرکشی‌هایی که در نقاط مختلف مملکت ترتیب داده‌اند صرف نظر کردیم. این ننگ را به کجا ببریم که مملکت اسلامی ما را دارند پایگاه اسرائیل و صهیونیست می‌کنند».

که ازجمله آنها قضیه کاپیتولاسیون،^{۱۱} یا همان امتیاز قضایی یا حق قضاوت کنسولی بود که پس از گذران مراحل و عدم پذیرش آن در ایران دوره پهلوی، سرانجام «آمریکایی‌ها بار دیگر موضوع کاپیتولاسیون را در دولت حسنعلی منصور مطرح کردند. منصور در ۲۶ آبان ۱۳۴۲ در پاسخ به نامه ۲۸ اسفند ۱۳۴۰ ایالات متحده، اعلام کرد که درخواست آمریکایی‌ها در مهر ۱۳۴۲ در هیئت‌وزیران تصویب شده است و یادآور شد هنگام تقدیم لایحه قرارداد وین به دو مجلس سنا و ملی، پیشنهاد آنان نیز ضمیمه خواهد شد. «پیمان وین» دربردارنده ۵۳ ماده و دو پروتکل، قراردادی بین‌المللی درباره روابط و مزایا و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی (دیپلمات‌ها) در کشورهای مختلف است که به امضای همه کشورهای و دولت‌های عضو سازمان ملل رسیده است. در ماده ۲۹ این قرارداد آمده است: شخص مأمور سیاسی مصون است و نمی‌توان او را به‌هیچ‌عنوان توقیف و بازداشت کرد و ماده ۳۱ آن صراحت دارد که مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی و دعاوی مدنی و اداری بهره‌مند است. افزون بر این در ماده ۳۶ آن آمده است مأموران سیاسی از حقوق گمرکی معافند.»^{۱۲}

تصویب این قرارداد ننگین در دولت حسنعلی منصور، معرّف سرسپردگی او به آمریکا و نمایانگر خیانتی بزرگ در حق ملت ایران بود. در برابر این مصوبه ننگین، حضرت

افراد زمام حکومت را به دست گرفته‌اند که به‌هیچ‌وجه صلاح عقلی و اخلاقی در آنها نیست. به هر گناه فردی و اجتماعی دست می‌زنند و آنچه برای آنها ارزش ندارد، مصالح افراد و اجتماع است. اموال مسلمین و بیت‌المال، در راه اغراض خصوصی صرف می‌شود و قدرت‌هایی که برای دفاع از حقوق مردم و صیانت مرز این خاک و آب است، بدون درنظرگرفتن اصول انسانیت در راه مقاصد شخصی به کار می‌رود. حرف حق گفتن جرم شناخته شده و مقاومت در مقابل ظلم، گناه نابخشودنی تعبیر می‌گردد. من در این مسافرت به جدّ خود حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) تأشی کردم، از جوار امن ثامن الحجج (علیه السلام) به تهران آمدم تا به دنیا اعلام کنم این قیام و نهضت به‌هیچ‌وجه صورت ارتجاعی ندارد؛ بلکه نهضتی است که ملتی مسلمان برای مقابله با حکومت‌های جائرانه با پیشوایی مقامات عالی‌ه روحانی تعقیب می‌کند. هدف ملت مسلمان ایران این است که بیش از این به مصالح دینی و دنیایی آنها تجاوز نشود. باید حکومت مردم را به مردم سپرد و حق مردم را باید به خودشان واگذار کرد. قانون باید حکومت کند نه فرد و در هیچ آیینی افراد حق ندارند به میل خود قانون وضع کنند. و لا حول و لا قوّة الا بالله العلی العظیم. تهران ۱۳ صفر ۱۳۸۳، ۱۴/۴/۱۳۴۲»^{۱۰}

۶. موافقت با قتل حسنعلی منصور

دولت حسنعلی منصور عامل بی‌چون و چرای اجرای طرح‌های آمریکا در ایران بود

امام خمینی و به تبع ایشان، بسیاری از مراجع تقلید و علما به مخالفت پرداختند، حضرت آیت‌الله میلانی با لایحه کاپیتولاسیون به شدت مخالفت کردند و نظرشان این بود که دولت حسنعلی منصور به اسلام و ایران خیانت کرده و مستحق عقوبت شدید است. در این راستا هیئت مؤتلفه اسلامی، تصمیم به قتل حسنعلی منصور گرفتند. آنان معتقد بودند سیاست‌های منصور، به‌ویژه اجرای ننگ‌آور انقلاب سفید شاه و تصویب لایحه کاپیتولاسیون مصوب دولت منصور، انحراف از اصول اسلامی و استقلال ملی را در پی دارد که نتیجه آن هم تبعید حضرت امام خمینی به ترکیه بود. از این رو تصمیم به قتل این فرد خائن گرفتند و در این راستا تلاش‌های فراوانی نمودند تا موافقت علمای بزرگ را بگیرند. در نتیجه، هیئت مؤتلفه توانست موافقت ضمنی را از آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی در این باره بگیرد و اگر چنین موافقتی را نمی‌گرفتند با توجه به روحیه بالای مذهبی‌شان، محال بود این اقدام را انجام دهند.

«جلال‌الدین فارسی که با اعضای هیأت مؤتلفه ارتباط داشته است، بیان می‌کند که آنها درباره ترور شاه (نیز) اجازه‌ای از میلانی گرفته و میلانی طی حکمی کتبی می‌نویسد که وظیفه دارید برای توفیق در این کار، گلوله‌هایتان را با پیه خوک چرب کنید.»^{۱۳} این جریانات و حوادث به قدری زیاد هستند که اشاره کوتاهی به آنها نیز بسیار

مفصل خواهد شد، به همین خاطر از تبیین آنها می‌پرهیزیم و به بیان چند مورد مهم بسنده می‌کنیم.

۷. مخالفت شدید با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی^{۱۴}

۸. موضع‌گیری نسبت به کودتای آمریکایی در سال ۱۳۳۲^{۱۵}

۹. موضع‌گیری در برابر جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و اعلام موضع انقلابی در برابر اسرائیل، که چنین نگاشتند: «اظهاروا البرائة منهم و باهتوهم لکیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام.»^{۱۶}

۱۰. برگزاری جلسه ترحیم جهت شهادت آیت‌الله سعیدی و تعطیل نمودن درس.^{۱۷}

۱۱. امر به طلاب حوزه که «بر ملاحظات رژیم توجه ننمایند و مواضع منفی خود را با نظام ضد دینی پهلوی حفظ کنند.»^{۱۸}

و موارد فراوان دیگر که گویای عناصر حضور معظم‌له در عرصه سیاست است. در اینجا باید این نکته را یادآور شویم که فعالیت‌های سیاسی هر فرد، جدا از اندیشه و تفکر سیاسی نیست. از این رو اگر به صورت تحلیل رفتار هم بخواهیم درباره آیت‌الله میلانی قضاوتی به حق و صائب داشته باشیم، باید بگوییم که ایشان، قطعاً دارای فلسفه و اندیشه سیاسی است که این فلسفه و اندیشه، از دانش‌های دینی، همچون فقه اسلامی، کلام اسلامی، عرفان و فلسفه اسلامی ملهم است و هرگز جدای از آن پیشینه و سابقه و صبغه علمی نیست.

فقر، گرسنگی، بیماری از هر سو ملت را تهدید می‌کند و بیکار، فساد و تجاوز، هیچ کس را بی‌نصیب نگذاشته است، تنها چیزی که ابداً مورد توجه حکومت نیست، حقوق و مصالح مردم است.^{۱۹}

از فحوای این عبارات که مانند آنها در مکتوبات و مواضع ایشان فراوان است، چنین برمی‌آید که ایشان در پی حکومتی الهی هستند و حکومت را به واقع همان حکومت الهی می‌دانند که مجری قوانین شریعت باشد.

آیت‌الله میلانی در راستای تصویری که در منظومه فکری خویش از حکومت دارد، چهار اصل اساسی را برای روحانیت در مسیر مبارزه‌ای اسلامی و در راستای فقه اسلامی و آموزه‌های آن مطرح می‌کند. ایشان در نامه‌ای که به مرحوم آیت‌الله مشکینی و ربانی شیرازی می‌نگارند، اذعان و تصریح داشته‌اند که «هدف علما و روحانیون از اعتراض و انتقاد به حکومت پهلوی این چهار اصل است:

۱. در این مملکت مذهبی، قانونی برخلاف قوانین اسلامی اجرا نشود؛
۲. این مملکت هیچ گاه از استعمار اجنبی نباشد (در اختیار آنان قرار نگیرد)؛
۳. اولیای امور بایمان و دلسوز مملکت باشند (ایمان و کارایی لازمه کارشان باشد و در صد اجرای قوانین اسلام باشند).
۴. ملت به حقوق خود برسند و از منابع ثروت در جهات اقتصادی بهره‌مند گردند.^{۲۰}

در این راستا ارتباطات عمیق با امام خمینی و آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبارنامه سیاسی ایشان موجود است.

نگاهی به اندیشه حکومتی و ولایی و ولایت فقیه

در منظومه فکری آیت‌الله میلانی، این مسئله از امهات مباحث شمرده می‌شود که حکومت، همان سیستمی است که امور را به گونه‌ای بهینه و بر مبنای اهدافی عالی و در واقع الهی اجرا کرده است و در جامعه به زدودن کاستی‌ها و نابسامانی‌ها اقدام می‌کند.

در نوروز ۱۳۴۲ که حکومت دست‌نشانده پهلوی کوشید با برپایی جشن و شادمانی، حرکت‌های ملی و اسلامی را از اذهان مردم بزدايد. آیت‌الله میلانی در اعلامیه‌ای کوبنده و شدیدالحن حکومت را فاسد و کارش را تجاوز به حقوق ملی و اسلامی دانستند و درواقع از حکومت و چیستی آن، نوعی بازخوانی را در قالب عبارات راهگشا معرفی کردند.

«با وجود آنچه که در سال گذشته بر ملت ما گذشت، دل شاد و خاطر آسوده‌ای باقی نمانده است که در طلیعه سال نو، طبق عادات همیشگی در مملکت، مراسم جشن و سرور برپا شود. هیئت حاکمه گستاخی را تا آنجا کشاند که حتی قوانین آسمانی را ملعبه قرارداد و به حریم احکام شرع تجاوز کرد. هم‌اکنون جمعی از علما، دانشجویان و اساتید کشور در زندان به سر می‌برند و

نظریه ایشان درباره مسئله ولایت فقیه اگرچه تفاوت‌هایی در سعه و ضیق دایره ولایت با اندیشه امام خمینی دارد، ولی درباره وانهادن حاکمیت، آن را به ولی فقیه متعلق می‌داند و می‌نویسد: «للفقیه الولاية العامة في الامور الحسبية التي ليست بيد غيره و يختل بعدمه تصديّه نظام العمل بالوظائف الاسلاميّة و منها اصول الغيب و القصر».^{۲۱}

فقیه در امور حسبیه، ولایت عامه دارد که قاعدتاً این امور در دست غیرفقیه نخواهد بود؛ چه اینکه در این صورت نظام عمل مختل می‌شود و به امور اسلامی و قوانین آن عمل نمی‌گردد و عمل به وظایف اسلامی دچار مشکل اساسی خواهد شد که از جمله آنها، اموال غیب (افراد دور از وطن و غایب از وطن) و قصر (ایتام و محجورین و سفیهان) است.

لازمه این کلمات و اقوال، قول به ایجاد حکومت اسلامی در عصر غیبت است و ازاین‌رو تصدی فقیه را در اموال موجب برائت ذمه می‌داند و بس.

در راستای همین اندیشه ناب است که قائل به رهبری فقیهان و در عصر حاضر (عصر خودشان و زمان ما)، رهبری امام خمینی (قدس سره) را به‌عنوان رهبری جامع شرایط می‌پذیرند و تلقی می‌کنند.

مرحوم آیت‌الله شهید سعیدی نقل کرده است:

«هرگاه آیت‌الله میلانی نام حضرت امام

خمینی را می‌بردند، می‌فرمودند: سلام‌الله‌علیه. عده‌ای اعتراض کردند و گفتند: خود شما مرجع هستید! ایشان فرمودند: ساکت باشید! اینجا مسئله تقلید در بین نیست که گفته شود فلانی اعلم است یا من؟ اینجا بحث رهبری است و چنین نیست که هر مجتهدی لیاقت رهبری داشته باشد. لیاقت رهبری را تنها فقیه سیاستمداری داراست که عالم به زمان خویش باشد و در راه خدا از ملامت ملامت‌گران هراس نداشته باشد و اکنون این مشخصات در کسی جز آیت‌الله خمینی، سلام‌الله‌علیه نیست».^{۲۲}

از منظر آیت‌الله میلانی رهبری امت را در عصر غیبت باید فقیه وارسته جامع شرایط برعهده بگیرد و از میان فقیهان در زمان خودشان تنها امام خمینی (قدس سره) دارای خصوصیت رهبری امت اسلامی هستند. به همین دلیل با نهضت امام خمینی معاضدت و همکاری صمیمانه داشته‌اند و به نشر عقاید و اندیشه‌های تابناک امام خمینی اقدام کرده‌اند.

آیت‌الله میلانی چنان به امام خمینی عشق می‌ورزد که در دوران تبعید امام به ترکیه در نامه‌ای خطاب به ایشان می‌نویسند: «خوشا به سعادت آن سرزمین که حضرت‌عالی در آن تشریف دارید».^{۲۳}

دیدگاه‌های سیاسی و حکومتی و اندیشه سیاسی ایشان را دفتر پُربرگی تشکیل خواهد داد که این مختصر را گنجایش آن نیست و در این زمینه به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲-۳. عنصر ارتباطات و تعاملات

آیت‌الله میلانی در عرصه ارتباطات علمی، سیاسی، اجتماعی نیز در حقیقت، رویکردی گفتمان‌سازانه داشتند که این ارتباطات را به‌گونه موجز و کوتاه در سه مورد بررسی می‌کنیم:

۱. ارتباطات علمی؛

۲. ارتباطات سیاسی؛

۳. ارتباطات اجتماعی، داخلی و بین‌المللی.

۱-۲-۳. ارتباطات علمی

آیت‌الله میلانی در عرصه ارتباطات علمی، اندیشمندی صاحب‌نظر بودند و به گفتمان‌سازی در این عرصه مهم باور داشتند و می‌خواستند که روی‌آوردی از این عرصه مهم را در حوزه علمیه ایجاد کنند و محقق سازند.

ارتباطات علمی ایشان، با گرایش‌های علمی معظم‌له بدون ارتباط نیست و به دلیل عمق گرایش‌های علمی، ارتباطات ایشان معنا می‌شود و رقم می‌خورد. ایشان با عالمان بسیاری چه در دوران تحصیل و چه در دوران مرجعیت و زعامت، ارتباط علمی داشتند که در این مجال کوتاه، بخشی از این ارتباطات را بررسی می‌کنیم.

۱-۱-۲-۳. ارتباط علمی با آیت‌الله شیخ

محمدحسین غروی اصفهانی

آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (معروف به کمپانی) شخصیتی جامع در علوم معقول و منقول بود که در کلیه دانش‌های معقول و منقول، سرآمد

زمان خود بود. ایشان در نجف اشرف، پس از رحلت مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی که شهره علم و راهبر فکری و اصولی زمان خود بود، بر کرسی تدریس قرار گرفت و به دلیل اشراف بر علوم یادشده، کرسی درس ایشان، پر از شاگردانی بلندآوازه شد؛ از جمله سید محمدحجت کوه‌کمری، سید ابوالقاسم خویی و آیت‌الله سید محمدهادی میلانی (رحمت واسعه الهی بر آنان) که همگی از اندیشه‌های تابناک مرحوم اصفهانی (کمپانی) بهره‌ها بردند.

علقه و ارتباط روحی آیت‌الله سید محمدهادی میلانی با مرحوم غروی اصفهانی، موجب شد آیت‌الله میلانی در ارائه دروس خارج فقه و اصول از اندیشه‌های تابناک علامه غروی اصفهانی (کمپانی) متأثر باشد و آنها را در دروس خود منعکس کند. این ارتباط و علقه باطنی، موجب شد میلانی، نگرشی جامع نسبت به ارائه مباحث اصولی از خود نشان دهند.

«آیت‌الله میلانی دو دوره خارج اصول و ابواب مختلف فقهی را به صورت اجتهادی و استدلالی از ایشان فرا گرفت و به مبنای ایشان کاملاً اشراف داشت و در درس خارج خود، نظرات ایشان را بیشتر مطرح می‌کرد. آیت‌الله میلانی به عظمت علمی و معنوی استاد خود بسیار اعتقاد داشت و ایشان را از نظر علمی و معنوی کم‌نظیر می‌دانست.»^{۲۴}

۲-۱-۲-۳. ارتباط آیت‌الله میلانی با مکتب معارفی خراسان

مکتب معارفی مشهد که بعدها مکتب

تفکیک نام گرفت، این مکتب در واقع اندیشه‌ای بود مبتنی بر خالص‌سازی معارف دینی از رویکردهای فردی و قلبی، یعنی جداسازی این مکتب از رویکردهای فلسفی و عرفانی.^{۲۵}

مرحوم آیت‌الله میلانی، به جهت علقه‌های علمی و نه اختصاصاً فکری با آنان در ارتباط بود. مکتب معارفی مشهد برای حضرت امام خمینی ره و آیت‌الله میلانی احترام زیادی قائل بودند و ایشان را مرجع علمی‌الاطلاق می‌دانستند.

۳-۲-۳. ارتباط آیت‌الله میلانی

با دیگر علما و اندیشمندان

آیت‌الله میلانی با آیت‌الله خویی ره، علامه طباطبایی ره، قاضی طباطبایی ره و بسیاری از اندیشمندان بزرگ جهان ارتباط داشتند. از میان همه ارتباطات، چنان‌که پیشتر گفتیم ارتباط عمیق فکری، عاطفی و قلبی با حضرت امام خمینی داشتند به‌نحوی که در بعضی از موضع‌گیری‌ها، مشابه حضرت امام خمینی و به تبعیت از ایشان، ارائه نظر فرموده‌اند.

۳-۲-۲. ارتباطات سیاسی

آیت‌الله میلانی

آیت‌الله میلانی به دلیل نقش‌آفرینی‌های فراوان علمی، فقهی و ایجاد کرسی علمی و اجتماعی، موردتوجه عام و خاص

قرار بودند و نامی پُرآوازه داشتند. بدین لحاظ کلیه ذوق‌های سیاسی، عالمان سیاسی، طلاب و روحانیت، جامعه اسلامی، اندیشمندان سیاسی با ایشان مرتبط بودند و ایشان هم با همه مرتبطین پیوندی مطلوب داشتند. البته این ارتباطات در دو بخش داخلی و خارجی نمود و تبلور یافت که به‌دلیل گستردگی این ارتباطات، فقط آنها را نام می‌بریم.

۱. ارتباط با توده مردم و نقش رهبری در

حرکت‌های مردمی در خراسان؛^{۲۶}

۲. ارتباط با آفرینندگان

حرکت نهضت پانزده

خرداد ۱۳۴۲؛^{۲۷}

۳. ارتباط روشن‌گرانه با

مبلغان حوزه علمیّه

خراسان نسبت به نقش

آفرینندگی تبلیغی در

ایام محرم و صفر.^{۲۸}

ایشان در این ارتباط به

مبلغین یادآور می‌شدند:

«...باید به مردم اطلاع داد

که چگونه ایادی جاسوسان

اسرائیل را در فرهنگ ملت

دخالت داده‌اند و این همه برای

آن می‌کنند که حال ملت از آنها

بیزار است، مگر با قدرت چهار

نفر یهودی و عمال‌شان باقی

بمانند، زهی خیال باطل... این

وظیفه جامعه مبلغین مذهبی

در ایام عاشورای حسینی است

نظریه ایشان درباره مسئله ولایت فقیه اگرچه تفاوت‌هایی در سعه و ضیق دایره ولایت با اندیشه امام خمینی دارد، ولی درباره وانهادن حاکمیت، آن را به ولی فقیه متعلق می‌داند و رهبری فقیهان و در عصر حاضر (عصر خودشان و زمان ما)، رهبری امام خمینی ره را به‌عنوان رهبری جامع شرایط می‌پذیرند و تلقی می‌کنند. از منظر آیت‌الله میلانی رهبری امت را در عصر غیبت باید فقیه وارسته جامع شرایط برعهده بگیرد و از میان فقیهان در زمان خودشان تنها امام خمینی ره دارای خصوصیت رهبری امت اسلامی هستند. به همین دلیل با نهضت امام خمینی معاضدت و همکاری صمیمانه داشته‌اند و به نشر عقاید و اندیشه‌های تابناک امام خمینی اقدام کرده‌اند.

۲. ارتباط با مبارزان یا اسرائیل در جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل؛^{۳۸}

۳. ارتباط با جریان‌های مبارزاتی جهان عرب و لزوم کمک به آنها.^{۳۹}

مواضع سیاسی حضرت ایشان در حرمت ارتباط با اسرائیل و لزوم مبارزه همه‌جانبه با آنان و همدردی با اعراب مسلمان در واقع فراتر از صرف صدور یک یا چند فتوا بوده است؛ بلکه ایشان می‌خواستند یک روند مبارزاتی شدید را در جهان عرب برای مبارزه با اسرائیل تدوین کنند. این امر نشان‌دهنده عزم سیاسی راسخ ایشان بر ایجاد گفتمان مقاومت و مبارزه با اسرائیل در شرایط دشوار جهانی و بین‌المللی بود.

۴. ارتباط با دانشگاه الازهر مصر و صدور پیام‌های راهبردی و گفتمان‌ساز درباره جنایات عمیق اسرائیل و آتش‌زدن فجیع مسجد الاقصی.^{۴۰}

۵. ارتباط با سید موسی صدر، رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان درباره مسئله فلسطین و ارائه رهنمود به ایشان.^{۴۱}

اینها تمام ارتباطاتی است که آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی در عرصه مبارزات سیاسی، چه از حیث داخلی و چه از حیث خارجی داشتند. البته ایشان ارتباطات بیشتری نیز با اروپا داشته‌اند که در نوشتارهای دیگری آن را بررسی کرده‌ایم. ۴-۲-۳. عرصه ارتباطات اجتماعی و

تعاملات

عرصه سوم ارتباطات معظّم‌له، ارتباطات

که هر کس جز این عمل کند، بر سر سفره حسینی نان و نمک خورده و نمکدان شکسته است.^{۳۹}

۱. ارتباط با سپهبد شهید قرنی، در ایام حاکمیت شاه و صدور جواز قتل شاه؛^{۴۰}

۲. ارتباط با مقلدین تبریزی و امر به عدم جواز شرکت در انتخابات فرمایشی شاه؛^{۴۱}

۳. ارتباط با جمعیت مؤتلفه اسلامی و موافقت با قتل حسنعلی منصور، نخست وزیر وقت؛^{۴۲}

۴. ارتباط نزدیک با چهره‌های مبارزاتی و سیاسی نهضت ملی‌شدن نفت؛^{۴۳}

۵. ارتباط با جریان‌های سالم سیاسی در مشهد و تهران؛^{۴۴}

۶. ارتباط با آفرینندگان حرکت سیاسی در مسجد فیل؛^{۴۵}

۷. ارتباط با آیت‌الله واعظ طبسی و تمجید از ایشان.^{۴۶}

ارتباطات فراوان دیگری در دوران مبارزات ایشان وجود داشت که مهم‌ترین آنها، ارتباط با حضرت امام خمینی است که در بخش گفتمان‌سازی سیاسی آن را بررسی کردیم.

۳-۲-۳. ارتباطات سیاسی در عرصه بین‌المللی
این ارتباطات گفتمان‌آفرین هم بسیار هستند که باز به‌گونه‌ای فهرست‌وار به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. ارتباط با انقلابیون و مبارزان سیاسی در عراق که معظّم‌له به‌عنوان محور گفتمان‌ساز در حرکت‌های سیاسی در عراق قرار داشتند؛^{۴۷}

گسترده اجتماعی در سطح داخلی و خارجی است که به چند مورد آن تنها اشاره می‌کنیم.

۱. رسیدگی به فقر و مستمندان داخل کشور ایران؛^{۴۲}

۲. ارسال کمک‌های نقدی و غیرنقدی جهت زلزله‌زدگان خراسان جنوبی؛^{۴۳}

۳. نگه‌داشتن ایجاد فضای همدلی و عزا برای زلزله‌زدگان و محکوم‌نمودن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی.^{۴۴}

معظم‌له در عرصه ارتباطات بین‌المللی نیز از ارتباطات گسترده بین‌المللی برخوردار بودند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ساختن و تکمیل بنای مسجد اسلامی هامبورگ، ارتباط با آیت‌الله شهید دکتر بهشتی در جریان مسجد اسلامی هامبورگ، دیدار با دکتر شیخ محمد فحامه، رئیس دانشگاه الازهر مصر، ارتباط با کنگره هسته‌های دانشجویی در اروپا و صدور بیانیه و حمایت از آنان، ارسال پیام جهت کنگره قاضی نورالله (شهید) شوشتری به هند و تجلیل از عظمت برگزاری کنگره یادشده که در آن، تثبیت نقش معارف شیعی در کشور هند بررسی و تأکید شده است و غیره. تمام این موارد به ضمیمه ارتباط با اندیشمندان مسلمان در آسیای مرکزی با موارد بسیار دیگری که بیان نشد، می‌توان در اسناد تاریخی مربوط به آیت‌الله میلانی مشاهده کرد.

۳-۳. عنصر اقدامات تربیتی و بازپروری

شخصیت

مهمترین اقدام تربیتی و بازپروری شخصیت

در تلاش‌های صادقانه حضرت آیت‌الله‌العظمی سید هادی میلانی را باید ایجاد تحول در حوزه علمیه خراسان دانست. معظم‌له در دهه ۱۳۳۰، آغازگر تحول بزرگی در حوزه علمیه شدند و جهش درخور و قابل‌توجهی را آغاز کردند. ایجاد مدارس همچون مدرسه امام صادق (ع) در مشهد، مدرسه عالی حسینی و کمک‌های فراوان در تقویت و تکمیل مدرسه حقانی در قم و راه‌اندختن رشته‌های علمی مرتبط، مانند آموزش خط، انشا و املا، ریاضیات و صرف و منطق و تاریخ، و حدیث و تفسیر و نهج‌البلاغه، تاریخ ادیان، صحیفه سجادیه ازجمله این اقدامات تربیتی بود. این اقدامات نشان می‌دهند که معظم‌له، مرجعی تحول‌خواه بودند و آینده‌نگری نسبت به اسلام و تشیع و ایران در عمق اندیشه‌های گفتمان‌آفرین ایشان قرار داشت و اساساً می‌توان یکی از نیات و مقاصد عالیّه ایشان از هجرت را که از کربلا به مشهد رحل اقامت افکندند در همین مسئله موردتأمل قرار داد. در مجموع می‌توان ایشان را فقیهی جامع‌نگر و دارای اجتهادی سیستمی با تفکری جامع و انقلابی درباره اداره حوزه علمیه مشهد دانست. ایشان در حوزه علمیه مشهد همچون یک ایدئولوگ و مرجع فکری مطرح بودند.

مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای درباره این اقدامات چنین می‌فرمایند: «... ما دیدیم که مرحوم آیت‌الله میلانی از کربلا که نزدیکی نجف بود، آمدند تا مشهد و یک

سیاسی آنان، راهبردهای نوینی را در جامعه اسلامی به وجود آورد که از جمله می‌توان به این شخصیت‌های پراوازه اشاره کرد:

۱. آیت‌الله حسین وحید خراسانی، استاد الأساتید حوزه علمیه قم؛

۲. آیت‌الله سید حسن مرتضوی شاهرودی، استاد دروس خارج حوزه علمیه مشهد؛

۳. آیت‌الله محمدتقی جعفری، شخصیت فرزانه علمی و فیلسوف بلندآوازه؛

۴. آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (رهبر معظم انقلاب اسلامی)؛

۵. شیخ عزیز الله عطاردی، شخصیت پُرکار علمی؛

۶. محمدرضا حکیمی، شخصیت نام‌آور علمی؛

۷. کاظم مدیرشانه‌چی، شخصیت پُرکار علمی.

معظم‌له، همواره حرمت شاگردان علمی خود را پاس می‌داشت که از باب نمونه می‌توان به ارتباط ایشان با حضرت آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبری گرانقدر و حکیم انقلاب اسلامی (در زمان معاصر) اشاره کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره ایشان فرموده‌اند: «آقای میلانی از کربلا وارد مشهد شدند. وقتی که ایشان وارد مشهد شدند، دفعتاً حوزه مشهد به یک حوزه حقیقی تبدیل شد، ایشان آمدند و درس را شروع کردند و اول تعدادی طلبه، چهل، پنجاه یا شصت نفری به درس‌شان رفتند. حدود سال سی‌وسه و

حوزه علمیه بزرگی را به وجود آورند... این یک واقعیت است... از برکات الهی برای حوزه علمیه مشهد، وجود آیت‌الله میلانی بود.»^{۴۵}

معظم‌له گام‌های اصلاحی عمیقی را در حوزه علمیه مشهد سامان دادند که بعدها، آثار این مراکز عمده علمی و دینی و فرهنگی نمودار شد. ایشان مشاهده کردند که منشأ پراکندگی عالمان مشهد در طول سال‌های گذشته، فقدان استادانی پُرمایه است که به همین جهت، استادان پُرکار و زمینه‌دار و شایسته را جذب کردند و خودشان بر کرسی درس نشستند و دروس خارج فقه و اصول را در مسجد گوهرشاد دایر کردند که در شکوفایی حوزه علمیه مشهد، نقشی بی‌بدیل ایفا نمود. بدین ترتیب ایشان به حوزه علمیه مشهد، جانی تازه و رونقی شکوهمند بخشیدند که در همه این سال‌ها، مسئله امتحانات تمام دروس توسط استادان این حوزه کهن برگزار می‌شد که نشانه‌ای از جنب‌وجوش علمی و شکوه فراوان حوزه بود.

اجمال سخن آنکه آیت‌الله میلانی شکوه علمی و حرکاتی گسترده را در حوزه علمیه خراسان به وجود آوردند که اسناد تاریخی آن همگی موجود هستند. «مهم آنکه معظم‌له، حرکتی تبلیغی گسترده و جهت‌داری را در حوزه علمیه به وجود آوردند.»^{۴۶}

۳-۱-۳. تربیت شاگردانی نام‌آور

در دروس معظم‌له شاگردان نام‌آوری تربیت شدند که بعدها شخصیت علمی و

سی و چهار بود. آن وقت که ایشان آمدند، من به درس خارج نمی‌رفتم. یکی، دوسالی ایشان درس گفتند. یواش یواش درس شان رونقی گرفت. مبحث «صلوة» را شروع کردند و طلبه‌های جوان رفتند، ما هم رفتیم، من پیش از اینکه به قم بیایم دو سال و خورده‌ای به درس ایشان می‌رفتم... وقتی می‌خواستم به قم بیایم، خیلی از افراد مرا تخطئه می‌کردند که قم برای چه؟ در این شهر که آقای میلانی هست... کسانی که واقعاً پای درس مرحوم میلانی ماندند، ملا شدند.^{۴۷}

۲-۳. جایگاه شایسته مقام معظم رهبری

در اندیشه آیت‌الله میلانی

حضرت آیت‌الله میلانی، توجهی خاص و نظری والا نسبت به مقام معظم رهبری داشته‌اند که در همین زمینه کافی است به صدور اجازه‌نامه توسط معظم‌له درباره روایت و امور حسبیه برای ایشان در سن ۲۲ سالگی اشاره کرد که در آن آورده‌اند:

«... اما بعد فقد استجاز منی علم الاعلام و فخر الايام، قدوة الفضلاء الكرام، غياث الاسلام، الحاج السيد على الخامنه ای (دامت برکاته) فاجزته ان يروى عنى جميع ماصح لي روايته، بحق اجازتى عن مشايخي العظامه، و ان

منهم العلامة آيت الله السيد حسن الصدر العاملی، و منهم العلامة آيت الله السيد عبدالحسين شرف الدين العاملی و منهم العلامة المحدث الحاج الشيخ عباس القمی و غیرهم من الاساطین... ثم اتى قد اذنت و اجزت للمولى المعظم اليه. فى ان يتصدى للامور الحسينية بانواعه و اصنافها التى قد تبیت لديه جهاته الحكمية و الموضوعية و فى ان يقبض سهم الامام عليه السلام و اوكلت الى نظره الشريف ايصال النصف الى ما يناسبه فى المصارف و ليراجعنى فى النصف الآخر منه و كذا لك اذنت و اجزت له فى ان يأخذ سائر الوجده و الحقوق الشرعية و يصرف كلاً منها فى ما يناسبه من المصارف حسب الموازين المقدرة فى الشريعة.... و عهدى اليه فى كل ما ذكرته ان ياخذ بالحائط، كما هو المترقب منه (دامت مكارمه) و استدعيه ان يذكرنى فى خلواته بصالح دعائه، انه سبحانه و تعالى سميع مجيب.

۱۳ ذی الحجة الحرام سنة ۱۳۸۰ هجرى قمرى، السيد محمد هادى الحسينى الميلانى.^{۴۸}

در این اجازه‌نامه، چنان که مشهود است آیت‌الله میلانی به مقام معظم رهبری آورده‌اند: «سپس من به ایشان اجازه دادم و اختیار وانهادم که

مهمترین اقدام تربیتی و بازپروری شخصیت در تلاش‌های صادقانه حضرت آیت‌الله العظمی سید هادی میلانی را باید ایجاد تحول در حوزه علمیه خراسان دانست. معظم‌له در دهه ۱۳۳۰، آغازگر تحول بزرگی در حوزه علمیه شدند و جهش درخور و قابل توجهی را آغاز کردند. ایجاد مدارسی همچون مدرسه امام صادق (علیه السلام) در مشهد، مدرسه عالی حسینی و کمک‌های فراوان در تقویت و تکمیل مدرسه حقانی در قم و راه انداختن رشته‌های علمی مرتبط، مانند آموزش خط، انشا و املا، ریاضیات و صرف و منطق و تاریخ، و حدیث و تفسیر و نهج البلاغه، تاریخ ادیان، صحیفه سجادیه از جمله این اقدامات تربیتی بود.

کامل نکرده‌اند. البته این قضیه به ایشان اختصاص ندارد. حتی درباره ائمه علیهم‌السلام و شخصی بی‌نظیر مانند حضرت علی علیه‌السلام نیز صادق است.

علی علیه‌السلام در خطبه ۱۴۹ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «غداً ترون ایامی و یکشف لکم عن سرائری و تعرفونی بعد خلّو مکانی و قیامه غیری مقامی». ^{۴۹} «فردا قدر روزگار مرا درمی‌یابید و راز درونیم نهان خواهد شد، آن گاه که جایم خالی گردد و دیگری بر جایم بنشیند».

جبران خلیل‌جبران (متفکر و نویسنده توانمند مسیحی معاصر) می‌نویسد: «نمی‌دانم چه رازی است که شخصیت‌هایی پیش از زمان خود متولد می‌شوند و علی از کسانی است که پیش از زمان خود متولد شد». ^{۵۰}

ایشان حقیقتاً گوهری ناشناخته بودند که در مشهد که خصلت ذاتی این شهر هم شده است، در حجاب معاصرت و بی‌مهری قرار گرفتند. از جنبه‌های علمی، فقاقت ایشان محرز بود و دارای اجتهادی جامع و سیستمی بودند که این مسئله، معظم‌له را برای صدور فتاوای راهگشا در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی آماده کرده بود. درواقع فتاوی معظم‌له همه این حیطه‌ها را دربرمی‌گرفت، به‌نوعی که درباره ایشان گفته‌اند آیت‌الله میلانی کربلا و نجف را از جنبه علمی به مشهد آوردند «و حتی برخی از شاگردان ایشان، مانند آیت‌الله شیخ

در امور حسبه، با همه انواع و اقسام آن، مادامی که جهات حکمی و موضوعی آن برای ایشان روشن شده، اقدام کند، همچنین به ایشان اجازه دادم که سهم امام علیه‌السلام را دریافت کند و به عهده ایشان نهادم که نیم را در مصارف مناسب صرف نماید و در خصوص نیمه دیگر، با اینجانب مشورت کند و نیز به ایشان اجازه دادم که سایر وجوهات و حقوق شرعی را نیز دریافت کند و هر یک را در محل مناسب خود، مطابق با موازین شرعی مصرف نماید و سفارش اکید به ایشان است که در همه اینها، با دقت و احتیاط عمل کند، چنان که از شخصیت ایشان (دامت‌مکارمه) انتظار است و می‌خواهم که در خلوت مرا دعا کند که خدای سبحان شنوا و اجابت‌کننده درخواست‌ها است».

۴-۳. عنصر اجتهاد، فقاقت و فتوا

بعضی از شخصیت‌های بزرگ علمی، از جنبه‌های عینی، اجتماعی و سیاسی و اثربخشی در نوعی ناشناختگی قرار می‌گیرند و ابعاد وجودی آنها بر همگان روشن نمی‌گردد و حق معنوی و مکانت والای آنها ادا نمی‌شود و به اصطلاح در حجاب معاصرت قرار می‌گیرند. بر این اساس ممکن است در دوره خودشان ناشناخته بمانند و یا حتی بعدها نیز این ناشناختگی همچنان دوام بیاورد.

یکی از این شخصیت‌ها، شخصیت وارسته، آیت‌الله میلانی است که محبوب به حجاب یادشده گردیده‌اند و درواقع تجلی

رجبعلی رضا زاده، استاد فقه و اصول در مشهد معتقدند که اصول مظفر با همکاری آیت‌الله میلانی به نگارش درآمده است.^{۵۱}

اجتهاد و فقاہت در ایشان، با توجه به ذوق سرشاری که داشتند، امری ثابت و نهادینه بود؛ ولی متأسفانه جامعیت ایشان در فقه و اصول و دیگر علوم و دانش‌های دینی، کاملاً ناشناخته بود.

آیت‌الله شمس که از شاگردان ایشان است، می‌گوید: «حوزه علمیه مشهد تا وقتی که آیت‌الله میلانی به مشهد مشرف نشده بودند، عالمی چنان جامع و کامل ندیده بود. اصلاً مثل آیت‌الله میلانی در حوزه مشهد نبوده است.»^{۵۲}

به دلیل اینکه در حوزه اجتهاد و فقاہت و فتوا، نیازمند تحلیل جامع، در حد یک نوشتار بلند (کتاب) است، از بیان و شرح و بسط این مورد چشم می‌پوشیم و آن را برعهده خوانندگان می‌گذاریم که به منابعی همچون محاضرات فی فقه الامامیه ج ۱ و ۲ و همچنین منقولات درباره معظم‌له و کتب و مقالات و اسنادی که از ایشان انتشار یافته است، مراجعه کنند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، در حوزه گفتمان آفرینی، نتایجی گران‌سنگ را از حیات علمی، سیاسی، اجتماعی و خدماتی را به دست می‌آوریم.

۱. گفتمان‌سازی، ایجاد یک باور در ذهنیت اجتماعی است که از رهگذر آن،

تحولی تاریخی در جامعه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی علمی و غیره حاصل گردد و واقعیتی نوین را در عرصه‌های یادشده ایجاد کند.

۲. شخصیت عظیم آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی، به واقع، گفتمان‌هایی گران‌قیمت را در جامعه دوران خویش به‌وجود آوردند و به دلیل جامعیتی که داشتند در عرصه‌های چهارگانه سیاسی، ارتباطات و تعاملات و اقدامات تربیتی و عنصر اجتهادی به گفتمان‌آفرینی اقدام ورزیدند.

۳. در عرصه سیاسی، ایشان اندیشه سیاسی روشنی ارائه کردند و گفتمان‌هایی را ارائه کردند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: خلع ید از نظام وابسته شاهنشاهی را ارائه کردند که در قالب‌های تحریم انتخابات مجلس شورای ملی فرمایشی شاه در سال ۱۳۴۲، مخالفت قاطع با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، موضع‌گیری در جریان مسجد فیل، موضع‌گیری انقلابی در جریان کشتار در مدرسه فیضیه در فروردین ۱۳۴۲ اعلام موضع قاطع در جریان نهضت ۱۵ خرداد و حمایت قطعی از آن، موافقت با قتل حسنعلی منصور، ارائه اندیشه‌های حکومتی و ولایتی و ولایت فقیه، تبعیت از حرکت امام و خود را در راستای آن قراردادن و نیز اعلام رهبری امام خمینی در شرایط معاصر.

۴. در عرصه ارتباطات و تعاملات در سطوح علمی، تعاملات داخلی و خارجی، گفتمان‌هایی همچون حساسیت جامعه

شاگردانی نام‌آور همچون آیت‌الله سید علی خامنه‌ای اقدام کردند.

۶. در عرصهٔ اجتهاد و فقهات، پیشران حرکتی هدفمند در حوزهٔ علمیهٔ مشهد شدند.

همهٔ موارد یادشده، گفتمان‌سازی‌های سیاسی، اجتماعی، علمی، تعاملاتی و غیره بودند که دوران معاصر را با اندیشه‌های تابناک خود، نور و گرما و حرارت بخشیدند.

اسلامی در کوران مبارزات سیاسی و تکالیف سیاسی آنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی.

۵. در عرصهٔ اقدامات تربیتی و بازپروری شخصیت، به لزوم اجتهادی سیستمی و فراگیر توجه کردند و نیروهای مبارز، ملّا و متعهد به اسلام را با همین وصف، ایجاد کردند. حوزهٔ علمیهٔ مشهد را تکمیل، تقویت و بازسازی کردند که در این عرصه به تربیت

پی‌نوشت‌ها

۱۲. سیدحمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۳ و ۱۰.

۱۳. جلال‌الدین فارسی، زوایای تاریک، ص ۱۲۷.

۱۴. بنیاد پژوهش‌های اسلامی، گزیدهٔ مشاهیر معروف در حرم رضوی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۱۵. همان، ص ۱۰۲.

۱۶. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آیت‌الله میلانی به روایت اسناد ساواک، ص ۴۲۲.

۱۷. همان، ج ۳، ص ۱۲۸.

۱۸. همان، ص ۲۴.

۱۹. سعید عباس‌زاده، میلانی؛ مرجع بیدار، ص ۱۲۲.

۲۰. سیدمحمد طباطبایی، فقیهان و انقلاب ایران، ص ۱۱۸.

۲۱. سیدمحمد مهدی میلانی، محاضرات فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۷.

۲۲. سعید عباس‌زاده، میلانی؛ مرجع بیدار، ص ۱۳۴.

۱. محمدعلی حسینی میلانی، علم و جهاد: حیات آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد مهدی المیلانی، ج ۲، ص ۱۸۶.

۲. سیدعلی اصغر سلطانی، قدرت، گفتمان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۷۶.

۴. یحیی فوزی، اندیشهٔ سیاسی امام خمینی قدس سره، ص ۱۴.

۵. مرکز بررسی اسناد تاریخی، آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد مهدی میلانی، به روایت ساواک، ج ۱، ص ۳۰۴.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۸.

۷. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۸. همان، ج ۱، ص ۱۴۰.

۹. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی ایران، ج ۱، ص ۱۵۱.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۱۵۲.

11. capitulation

۲۳. همان، ص ۱۳۲.
۲۴. حسن طالبیان شریف، ناگفته‌هایی از ارتباط آیت‌الله میلانی در عرصه علمی، ص ۱۵.
۲۵. در این زمینه، توضیحات و تبیینات فراوانی وجود دارد که درصدد آن نیستیم و از جهتی آن را بیان نمودیم که اندیشوران این مکتب، افراد بزرگی همچون میرزامهدی اصفهانی، مجتبی قزوینی، میرزا جواد آقاآته‌رانی و سید موسی زرابادی بودند که رحمت خدا بر آنان باد. مرحوم آیت‌الله میلانی به نوعی با این اندیشوران در ارتباط علمی بودند.
۲۶. اسناد انقلاب اسلامی، آیت‌الله میلانی به روایت اسناد ساواک.
۲۷. همان، ص ۱۴۰.
۲۸. همان، ص ۴۸۷.
۲۹. همان، ج ۳ ص ۴۸۷.
۳۰. همان، ج ۳ ص ۱۲۴.
۳۱. همان، ج ۱، ص ۳۰۱.
۳۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۲.
۳۳. همان، ج ۱، ص ۱۷.
۳۴. همان، ج ۱، ص ۱۵۰.
۳۵. همان، ج ۱، ص ۱۲۸.
۳۶. همان، ج ۱، ص ۱۵۰.
۳۷. همان، ج ۳، ص ۶۰.
۳۸. همان، ج ۳، ص ۶۵.
۳۹. همان، ج ۳، ص ۵۳.
۴۰. همان، ج ۳، ص ۵۷۸ و ص ۵۸۰ و ص ۵۸۴.
۴۱. همان.
۴۲. همان، ص ۴۶۰.
۴۳. همان، ج ۳، ص ۱۹۶.
۴۴. همان، ج ۳، ص ۱۹۹.
۴۵. روزنامه رسالت، ۲۹ شهریور ۱۳۷۳، (ربیع‌الثانی ۱۴۱۵ق) عنوان جلوه آفتاب، ص ۱۶.
۴۶. محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، مصور، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵.
۴۷. سید علی خامنه‌ای، حوزه و روحانیت، ص ۹۴۶.
۴۸. هدایت‌الله بهبودی، شرح اسم؛ زندگی نامه آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش - ۱۳۱۸ش)، ص ۱۴۹.
۴۹. صالح صبحی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۹، ص ۲۰۸.
۵۰. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۲۳۵.
۵۱. سید محمدعلی ایازی، مجموعه مصاحبه‌ها درباره آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی، ص ۱۶۴.
۵۲. همان، ص ۵۶.

منابع

۱. ایازی، سید محمدعلی، مجموعه مصاحبه‌ها درباره آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۵.
۲. بنیاد پژوهش‌های اسلامی، گزیده مشاهیر معروف در حرم رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱، ۱۳۸۲.
۳. بهبودی، هدایت‌الله، شرح اسم؛ زندگی نامه آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای (۱۳۵۷ش - ۱۳۱۸ش)، تهران: مؤسسه

۱۳. عباس زاده، سعید، میلانی، مرجع بیدار، تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۴. فارسی، جلال الدین، زوایای تاریک، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات حدیث، ۱۳۷۳.
۱۵. فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.
۱۶. مرکز بررسی اسناد تاریخی، آیت الله العظمی سید محمدهادی میلانی، به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، بی تا.
۱۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی ایران، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۸. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷.
۱۹. میلانی، سید محمدهادی، محاضرات فی فقه الامامیه، ج ۱، تهیه و تدوین سیدفاضل حسینی میلانی، بی نا، بی جا، ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
۴. پسندیده، محمود، حوزه علمیه خراسان، مصور، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۵.
۵. حسینی میلانی، محمدعلی، علم و جهاد: حیات آیت الله العظمی سید محمدهادی الميلانی، ج ۲، قم: لسان الصدیق، ۱۳۸۵.
۶. خامنه ای، سید علی، حوزه و روحانیت، مؤسسه پژوهشی و فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، بی تا، ص ۹۴۶.
۷. سلطانی، سیدعلی اصغر، قدرت، گفتمان، ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی، ۱۴۰۰.
۸. روحانی، سیدحمید، نهضت امام خمینی، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۵۶.
۹. روزنامه رسالت، ۲۹ شهریور ۱۳۷۳، (ربیع الثانی ۱۴۱۵ق) عنوان جلوه آفتاب.
۱۰. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت: دارالفکر، ۱۹۳۷م.
۱۱. طالبیان شریف، حسن، ناگفته هایی از ارتباط آیت الله میلانی در عرصه علمی، ۱۳۶۶.
۱۲. طباطبایی، سیدهادی، فقیهان و انقلاب ایران، تهران: انتشارات کویر، ۱۳۹۸.